

# پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی درباره فدرالیسم در ایران

## فریبا مرزبان

ندای آزادی: آیا دولت غیر متمرکز همان دولت فدراتیو است؟ اگر نه تفاوت آنها چیست؟

فریبا مرزبان: دولت غیر متمرکز الزامن فدرال نیست و بر اساس قوانین رایج در حکومت‌هایی از نوع فدرال اداره نمی‌شود. در تعریف دولت غیر متمرکز به ساده‌ترین شکل می‌توان گفت: "تقسیم قدرت در دست مردم" با افزودن بر مشارکت شهروندان در قوه مقننه و مجریه. در این نوع دولت، کارها متمرکز در یک شهر و یک استان نیستند؛ بخش بندی شده در نقاط مختلف کشور اند با توجه به موقعیت شهرها بلحاظ سیاسی، جمعیت، شرایط اقلیمی، جغرافیایی و ... .

در دولت غیر متمرکز جغرافیای محیط کمتر لحاظ می‌شود و جغرافیای کلی (مرزهای کشور) اهمیت دارد. و نیز تقسیم مسؤولیت‌های اداره امور و بهینه کردن قابلیت‌ها متمرکز شخص یا ایالتی نمی‌شود. مگر این که از نقطه نظر جغرافیایی منطقه‌ای نامناسب برای انجام فعالیت‌های تولیدی خاصی باشد .

ندای آزادی: در کشوری مانند ایران با توجه به تنوع زبانی، ملی و قومی آیا نظام فدرالیسم نظام مناسبی است. اگر اری چه نوع فدرالیسمی برای کشور ما مناسب: فدرالیسم بر اساس تقسیمات جغرافیایی (استانی) و یا بر اساس زبانی- ملی/قومی؟

مرزبان: در پاسخ به بخش نخست پرسش در دید من نظام فدرالی مناسب ایران نیست و اقدام کردن بدان بسیار دشوارست.

برای انجام این کار نیازمند سرمایه گذاری‌های کلان مالی و نیروی پیش برنده (عوامل اجرایی) از سوی دولت است.

فدرالیسم زبانی- قومی دو گانه است و مشکلات جدیدی ایجاد خواهد

کرد. مشکلات دیگری هم در زمینه جغرافیای سیاسی می‌افزاید. بخشن کسانی هستند که خواهان استقلال تا سر حد جدایی اند. بنا بر این بهترست بر پدیده فدرالیسم، محتاطاً نگریست؛ زیرا ممکن است ایالت‌های فدرالیزه شده از مجرای داخلی خارج بشوند.

تنوع زبانی و نژادی (قومی) ایرانیان انکار ناپذیر است و مردم هر جامعه از حقوق اجتماعی به گونه‌ای بایستی برخوردار گردند که بتوانند در یک جامعه زبانی با "پشتیبانی دولتی برای جلوگیری از اضمحلال زبان‌ها تلاش کنند". زیرا زبان ابزار ارتباط است، زبان فرهنگ است. زبان ابزار ارتباط است اما جامعه‌ای بدون زبان «لال» است.

ندای آزادی: ساختار و محتوای نظام فدرالیسم براساس تقسیمات جغرافیایی چه تفاوتی با فدرالیسم بر اساس ملی/قومی دارد؟ بعنوان مثال شرط برخورداری از حقوق شهروندی (مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن) در هر کدام از ایالات، ساکن بودن هر شهروند ایرانی در آن شهر و منطقه است، یا داشتن تعلقات قومی و ملی آن منطقه؟

مرزبان: آن گونه که در پاسخ پیشین اشاره رفت نظام فدرالی را مناسب ایران نمی‌بینم و نیازمند گفتگوی بیشتر است.

در نظام فدرالیسم جغرافیایی محدوده و مرز ایالت‌ها مشخص شده است. در حالی که در نظام فدرالیسم ملی-نژادی ( القومی ) مردم "هم نژاد" گستردگی و پراکنده از یکدیگر زندگی کنند؛ مانند لرها که از ساکنان اطراف شهرهای اصفهان و شیراز، ساکنان لرستان و بخش وسیعی از ساکنان خوزستان هستند را شامل می‌شود. برخورداری از حق برگزیدن یا برگزیده شدن از دیدگاه تعلقات قومی و ملی همان است که تجزیه طلب‌ها و سنتی‌های عقب مانده خواهان هستند و خواست خود را می‌گویند. ساکن بودن شهروندان امتیاز لازمست بر پایه توانایی‌ها، استعدادها و اندیشه‌های نو.

متداول ترین شکل فدرالیسم، فدرالیسم جغرافیایی است مانند روسیه، آلمان و آمریکا هر سه در امور کشوری خود موفق بوده اند. زیرا سال هاست که کشورهای شان با این سیستم اداره می‌شود و دولت مدارها با اتخاذ تدابیر به هنگام و درست جامعه را سازگار با سیستم کرده اند.

اکنون اگر خواهان نظامی هم مانند یکی از ۳ کشور فوق و اجرای سیستم اداری هم چون فدرالیسم آنها بشویم. باید بگوییم فدرالیسم

دیگر کهنه شده است. ایران کشوری جهان سومی است و مشکلات فراوان دارد؛ و نیز نیازمند رنسانس فرهنگیست. کشورهای اروپا بی حدود 1000 سال پیش رنسانس از سر گذرانده اند در حالی که در جامعه ایران در قرن بیستم و بیست و یکم انقلاب اسلامی رخ داده است و انقلاب مناسبات اجتماعی و اغلب خانوادگی را از بین برده است. شهروندان ایران سالیان سال است که با پدیده ای به نام مذهب درگیر هستند.

ندای آزادی: آیا این چند حوضه‌ای که نام معتبریم باید در اختیارات دولت مرکزی فدرال باشند؟: نیروی نظامی و دفاع از مرزها؛ روابط خارجی (وزارت امور خارجه)؛ برنامه ریزی های کلان و بلند مدت اقتصادی؛ سیاستهای مالی، پولی و مالیاتی؛ استخراج معادن و منابع زیرزمینی؛ نظارت بر انتخابات و حسن اجرای قوانین در هر ایالت؛ دادگاهها و کل سیستم قضائی.

مرزبان: همه از مسؤولیت های دولت مرکزی هستند و سیستم مرکزی پاسخ گوی برچیدن هر گونه تبعیض و نیز برای جبران عقب ماندگی حقوق اجتماعی- علمی- اقتصادی است. بله. بله دستگاهای مهم دیگری نیز باید بر عهده دولت مرکزی قرار گیرد. کشور بر اساس قانون اساسی (قوانين مادر و تبصرهای اداره می شود. سیستم آموزشی، پلیس، بهداشت و درمان، مسکن، حل مشکل بیکاری (ایجاد شغل) همه این ها نیازمند برنامه ای منسجم و به گونه ای سراسری است که در بر گیرنده منافع و بر طرف کننده خواست جمعیت کشور باشد. چنانچه موارد ذکر شده با ایده ها و رای ساکنان محلی طراحی و اجرا شوند به دلیل نبودن زیرساخت و کار نشدن بر روی زیرساخت های لازم اقدام موفقی نخواهد بود. تجربه می گوید در صورت بروز عدم کارایی طرح های به اجرا درآمده بدون نظارت قدرت مرکزی نمی تواند دوام یابد.